



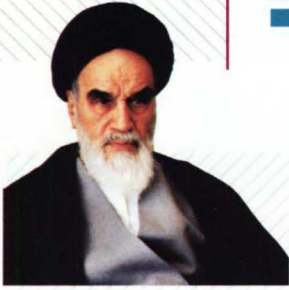
omid
امید



The 20th international theater festival for the children and youth of Hamedan | No.05 - 21 oct 2013 | شماره ی پنجم | ۲۹ مهرماه ۱۳۹۲ | بیستمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان - همدان

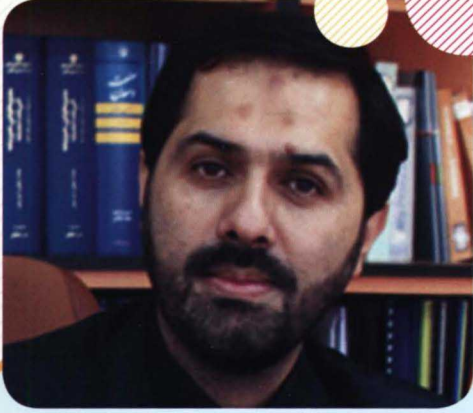


تئاتر خردسال
سنگ بنای
تئاتر بزرگ سال



هنر تجلی احساس انسان است در قالب
محسوس، زبان درون است با مخاطبان اهل دل.

امام خمینی (ره)



همدان، شایسته گی خود را برای میزبانی رویدادهای فرهنگی بین المللی، اثبات کرده است

خسرو سامری، معاون هماهنگی امور عمرانی استانداری همدان گفت: «هر برنامه ملی و بین المللی که در شهر همدان برگزار می شود، حائز اهمیت است.»
وی ادامه داد: «از آن جایی که همدان در هنر تئاتر، دارای قدمت دیرینه ای است، در برگزاری جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان، که مخاطبان زیادی هم دارد، موفق عمل کرده است.»
سامری افزود: «استقبال قابل توجه مردم همدان، و برگزاری مطلوب جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان، نشان داد که همدان می تواند میزبان خوبی، برای تمامی رویدادهای فرهنگی در سطح ملی و بین المللی باشد.»
وی تصریح کرد: «حضور میهمانان داخلی و خارجی در استان، می تواند پایگاه اطلاع رسانی مناسبی برای جاذبه های گردشگری همدان باشد. از این رو، اداره های مختلف و شهرداری ها، وظیفه دارند که برای برگزاری جشنواره، با متولیان فرهنگ استان، هم کاری کنند.»

جشنواره های شاد و کودکانه در سلامت جسمی و روحی کودکان موثر اند

قائم مقام مدیر اجرایی بیستمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان، برگزاری جشنواره های شاد و کودکانه را، عاملی مهم در ارتقاء سطح سلامت جسمی و روحی کودکان اعلام کرد.
به گزارش ستاد خبری جشنواره، هادی فیض منش گفت: «یکی از مهم ترین مسائلی که در جامعه ی امروز - باتوجه به وجود انبوه مشکلات - مطرح است، ایجاد فضایی شاد برای کودکان است، تا با آسیب های روحی مواجه نشوند.»
وی ادامه داد: «والدین بدون آن که خود بخوانند، به صورت ناخودآگاه، استرس های ناشی از کار روزمره ی خود را به محیط خانه انتقال می دهند، که بی شک، کودکان هم تحت تاثیر این امواج منفی قرار خواهند گرفت. بنابراین، برگزاری جشنواره های شاد در طول سال برای کودکان، بسیار مهم است.»
فیض منش تصریح کرد: «کودکان و نوجوانان برای احراز موفقیت در امور درسی، فرهنگی و ورزشی خود، نیازمند محیطی آرام و امن هستند، تا بتوانند توانایی های خود را نشان دهند. چراکه یک محیط شاد، در ایجاد آرامش و امنیت، بسیار تاثیرگذار است.»
وی گفت: «تئاتر می تواند با انتقال پیام های مناسب، کودکان و نوجوان را برای درک حقایق زندگی، به درستی آشنا کرده، و با آموزشی صحیح، آن ها را برای مقابله با رویدادهای زندگی آماده کند.»
قائم مقام مدیر اجرایی بیستمین جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان تشریح کرد: «زمانی که روح کودکان از شادی آکنده، و نیازهای آن ها برآورده شود، کم تر دچار آسیب های روحی و جسمی خواهند شد.»



نصرت الله رضانی انوری، مسؤل کمیته ی هنری

چرا فکر می کنید که جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان، هر سال باید در همدان برگزار شود؟

چون این جشنواره اصلا در همدان متولد شده. متعلق به همدان است. حالا بعد از ۱۲ سال حضور، این جشنواره جای خودش را در همدان باز کرده. از طرفی، ما در همدان با استقبال پر شور کودکان و نوجوانان از نمایش های جشنواره روبه رو هستیم، و همین نشان می دهد که این شهر، تبدیل به پایلوت تئاتر کودک و نوجوان شده است.

ویژه گی های این دوره از جشنواره را چه چیزهایی می دانید؟

موارد مختلفی هست. من می توانم به چند مورد خاص اشاره کنم؛ افزایش سالن های اجرای نمایش ها، افزایش محل های برگزاری آیین افتتاحیه، با نام جشن محلات در حاشیه ها و نقاط محروم شهر، و توزیع بیش از هزار جلد کتاب، با موضوع کودک و نوجوان در بین آن ها، و البته از همه مهم تر، اضافه شدن بخش خردسال به جشنواره، و تخصصی شدن بخش های مختلف آن، از جمله ویژه گی های بارز جشنواره ی امسال هستند.

چرا افیرا این قدر به دیدن نمایش علاقه مند شده اند؟

از آن جایی که هنر نمایش، ارتباط مستقیمی با مخاطب دارد، می تواند آثار مثبت فراوانی بر ذهن و فکر داشته باشد. البته حضور این چند سال اخیر جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان هم تاثیر بسیار زیادی بر ایجاد این علاقه داشته. من هم مثل مخاطبان پر شور نمایش های جشنواره، دوست دارم نمایش ها را ببینم. من واقعا نمایش های کودک و نوجوان را دوست دارم.

فرض کنیم که به شما پیشنهاد بازی در یک نمایش کودک داده شود. در آن صورت، ترمیم می دهید که چه نقشی را ایفا کنید؟

قبل از هر چیزی، اول خودم را به جای کودکان می گذارم و از زاویه ی نگاه آن ها، نقش ام را انتخاب می کنم.



نگرشی اجمالی بر تئاتر خردسالان

با ورود تئاتر خردسالان به جمع تئاتر کودک و نوجوان در بیستمین دوره ی جشنواره، سه گانه ی قیل از جوانی کامل می شود؛ خردسالی، کودکی، و نوجوانی. با این مرزبندی، می توان ساده تر درباره ی هریک از بخش های سنی تماشاگران این تقسیم بندی بحث کرد، و به درک درستی از نیاز مخاطبین رسید. به نظر می آید برای خردسالان، به جای استفاده از واژه ی تئاتر، از کلمه ی نمایش استفاده کنیم. بهتراست. در این گروه سنی، با نمایش هایی روبه رو خواهیم بود، که در جستجوی کلیات درام و مقوله های پیچیده ی تئاتری، با مفاهیم عمیق و فلسفی نخواهند بود. بلکه از طریق شخصیت های ناشناخته و درگیر مسئله در قصه های ساده، با محوریت موضوع مورد نیاز خردسالان، و طراحی اجرا بر مبنای رنگ، نور، موسیقی، لباس و خلق فضاهای پرنشاط، و هرآنچه که به پدید آمدن زیبایی و ایجاد سرگرمی کمک می کند، استوار می گردد. شاید بتوان گفت که خردسالان، کنجکاوترین انسان های کوچک جهان عصر خویش اند. و دنیایی از اشیاء، اجسام، اصوات، کلمات نامفهوم و سئوال های تعجب برانگیز، در برابر آن ها قرار می گیرد. آن ها در جستجوی کشف ناشناخته های محیط خویش اند. در این لحظه ی حساس از زندگی خردسالان، نمایش به مدد آن ها می آید، تا به درک و شناخت درست آن ها از جهان کمک کند.

نمایش می آید تا جهان را آن گونه که می خواهیم، نشان دهد، نه آن گونه که هست. این جمله ی معروف «هرگز نگو، نشانم بده» مصداقی است بر نمایش برای خردسالان. «اگر برایم تعریف کنی، ممکن است یادم برود، ولی اگر نشانم بدهی؛ هرگز یادم نمی رود»، جمله ی مشترکی است بین همه ی انسان ها، از خردسالی گرفته تا پیری. خردسالان در گذر از دوره های زندگی خویش، به جستجوی شناخت بیشتر اشیاء، محیط و روابط بین انسان ها می پردازند، که تنها از طریق دیدن و نشان دادن، به معنای واقعی می رسند. «شنیدن کی بود، مانند دیدن»، ضرب المثلی که همه گان آن را شنیده اند. خردسالی، سنی بین سه تا پنج ساله گی است. سنی با اطلاعات کم و زبانی محدود، که ترکیب بندی جمله ها را که گاه، غلط ادا می کنند. عدم آشنایی آن ها با قواعد دستور زبان، گاه جمله های طنزآمیزی را به وجود می آورد، که مابه ی خنده ی اطرافیان می گردد. گروهی از پدر و مادرها، این جملات ناقص را در دفترچه هایی یادداشت می کنند، و در بزرگسالی فرزندان شان، در اختیار آن ها قرار می دهند. خردسالان دانسته های خود را از طریق دیدن و لمس کردن به دست می آورند. از اسباب بازی گرفته تا اشیاء اطراف آن ها، باعث سرگرمی و کشف و شهودشان می شود. در این مقطع، نمایش به عنوان مهم ترین ابزار آموزشی، به توسعه ی دانش اندوزی و یادگیری و شناخت، در بسیاری از مسائل به آن ها کمک های شایانی را می کند. محیط جغرافیایی خردسالان، آغوش مادر، خانواده، مهد کودک ها و کودکان هاست. خردسالان استعداد شگرفی در تکرار رفتارهای دیگران دارند. ضبط کلامی و تصویر اتفاقات محیط در ذهن خویش، یکی از کارهای مهم خردسالان است. الگوپذیری رفتاری، اولین تجربه ی بازیگری آن هاست. آن ها بدون این که آشنایی با دنیای تئاتر و نمایش داشته باشند، وقایع روزمره ی خود را به طور جدی، در خلوت خود تکرار و به نوعی بازی می کنند.

ورود به عالم خیال و استفاده از تخیل برای سرگرمی، از این رده ی سنی آغاز می شود. با شناخت خفیه های چالشی خردسالان، می توان از طریق نمایش، بخش عمده ای از رفتارها و ناهنجاری های آن ها را به گونه ی تئاتر درمانی، بهبود بخشید. شناخت آسیب های خردسالان و مطرح کردن آن در نمایش، تأثیرات شگرفی خواهد داشت. اگر خردسالان نیازهای ناگفته ی خود را، در نمایشی که برای آن ها اجرا می شود، ببینند، خوشحال خواهند شد، و نمایش را مدافع خود خواهند دید، و صحنه ی تئاتر را، دوست خواهند داشت. زیرا درمی یابند که نمایش، مسائل و مشکلات و نیازهای آن ها را مطرح می کند. این حس اعتماد به نمایش، از آن ها بیننده گان نسل آینده ی تئاتر را خواهد ساخت.

نمایش برای خردسالان، سنگ بنای تئاتر بزرگسالان است. و نباید خشت اول، کج گذاشته شود. خردسالان معمولا به دو شیوه، با مقوله ی نمایش آشنا می شوند؛ یا از طریق آموزش تئاتر در مهد کودک ها و کودکان هاست، یا دیدن نمایش های کودکان. بنابراین، مربیان مهدها و کودکان هاست و مدیران گروه های نمایشی، برای خردسالان نقش مهمی در فرآیند یادگیری و دانش اندوزی دارند. خردسالان به سهولت می توانند قصه گوئی کنند. می توانند از طریق تخیل، داستان پردازی کنند و قصه های کوتاه به وجود بیاورند. هر خردسالی، چندین قصه و شخصیت دوست داشتنی در ذهن دارد. قصه هایی که مادران شان برای آن ها از روی کتاب خوانده اند، و شخصیت هایی که در انیمیشن ها و کارتون ها دیده اند. آن ها با همین ادبیات اندک، خود به خلق قصه می پردازند. آن ها ایده های نابی برای نوشتن دارند، اما سواد نوشتن ندارند. مربیان با نگرشی خلاقانه، می توانند قصه های خردسالان را به نمایش درآورند، و از آن ها بخواهند که طرح ها و ایده های خود را بازی کنند. مربیان قادر خواهند بود، که میل قصه گوئی را در آن ها تقویت کنند، تا براساس ابزار وجود از دریچه ی نمایش، بخشی از حقوق خود را مطالبه نمایند.

خردسالان، معمولا در محیط جغرافیای بزرگسالان پرورش می یابند، و به جز مکان های محدود، مانند مهد کودک، کودکان هاست، پارک های کودک و شهر بازی ها، مناطق زیادی به آن ها اختصاص داده نشده، و اکثرا نشو و نمو در محیط بزرگسالان، آن ها را در معرض آسیب های فیزیکی قرار می دهد.

خردسالان، در جامعه با اشیاء بزرگتر از نسبت های معمول خود روبه رو هستند. به طور مثال؛ در خانه و مکان های عمومی، پله هایی ویژه ی خردسالان تعبیه نشده، عبور آن ها از پله های متناسب با گام های بزرگسالان، سخت و مشکل ساز است. باز کردن درها و برداشتن ظروف و لوازم مختلف، که بعضی مواقع از قد خودشان هم بزرگتر است، در درسهای جدیدی برای شان به وجود می آورد. زمین خوردن ها و سر و دست شکستن ها، در همین دوران آغاز می شود. به خردسالان می توان از طریق نمایش، اطلاعات مورد نیاز را در برخورد با این موانع، آموزش داد. می توان به آن ها نوید داد که به مرور، با رشد سنی و فیزیکی خود، این مشکلات برطرف خواهد شد.

آشنایی با موسیقی و شعر، در همین سال های کوچکی آغاز می شود. لایتهای مادرانه، آن ها را به خواب عمیق فرو می برد، و در رویای خواب های رنگین، جهان را بزرگتر از سن و وزن خود، درمی یابند. آرزوهای آن ها کوچک است، و برای به دست آوردن اش تلاش می کنند. رفتار و کردار خردسالان، تحت قید و بند و مناسبات اجتماعی بزرگسالان نیست. دنیای کوچک آن ها، عاری از ملاحظاتی حاکم بر جامعه است، و نشانی از چاپلوسی و رفتارهای مژورانه و محاسبه شده، دیده نمی شود. به چیزی که به مذاق شان خوش نیاید، عکس العمل نشان می دهند. و بزرگترها آن را بی ادبی تلقی می کنند. تعهد مربیان آموزشی و گروه های نمایشی ویژه ی خردسالان، باتوجه به مقوله ی تئاتر آموزشی، جدی تر از پیش خواهد شد.

تولیدکننده گان آثار نمایشی، می توانند بسیاری از سوء تفاهم های بین فرزندان و پدران و مادران را، به نمایش بگذارند و به تحلیل موضوع بپردازند. تولید آثار نمایشی برحسب نیازها و دغدغه های خردسالان، هنگامی امکان پذیر خواهد شد، که گروه های تولید نمایش، در ارتباط مستقیم با خردسالان قرار بگیرند، و گفتگوها و تمرین ها، به طور دوجانبه، بر اساس طرح کلی، به صورت بداهه گوئی، در فضای شاد و مجذوب کننده ایجاد شود. شادی و سرگرمی، همراه با مفاهیم تعلیم و تربیت در قالب نمایش، خردسالان را به شدت جذب، و در روند شخصیت آن ها، تغییرات اساسی ایجاد می کند. حضور شخصیت های ناشناخته ی قصه ها در نمایش، و آشنایی با آن ها، برای خردسالان لذت بخش و تأثیرگذار است. خردسالان هر قدر دامنه ی اطلاعاتی شان گسترده تر شود، از محیط و زندگی لذت بیشتری خواهند برد، و مشکلات کمتری خواهند داشت. کسب اطلاعات از طریق نمایش، زمینه ی حضور فعال آن ها را در محیط و اجتماع، بیش تر خواهد کرد. اگر بتوانیم دیدن نمایش را برای خردسالان، به صورت یک نیاز ایجاد کنیم، می توان امیدوار بود، که تئاتر نقش تاریخی خود را ایفا کند.

عمو حمید هیچ جان بود...

نه در کارناوال شادی، نه در اجراهای متفاوت در محوطه ی مجتمع شهید آوینی، نه در اجراهای صحنه ای ویژه ی همدان، نه در اجراهای بخش شهرستان ها، نه در مراسم گشایش و نه در هیچ کجای دیگر جشنواره، نبود که حمیدرضا رضایی مجد یا همان عمو حمید و دارودسته اش نباشند. حاج حمید در جای جای جشنواره بود، و اصلا "گوئی نمی شد که نباشد و او را نبینی، حتی اگر نمی خواستی! بود و لحظات شاد و مفرحی را برای کودکان و خانواده ها خلق می کرد. اگر قول بدهد که خودش این مطلب را بخواند! حتما " خواهیم گفت که؛ انصافا " بودنش خوب بود و به جشنواره حال و هوای خوشی بخشیده بود. انشاء... که بماند و بمانند همه ی هنرمندان فهیم و خوش ذوق این عرصه.



یادداشت

حسین صفی

دریچه‌ای به نمایش «افسانه‌ی بچه‌گرگ استثنایی»

اساسا... اساسا، اساس هر درام محکم و جان‌داری که بتواند با مخاطب خود ارتباط برقرار کرده، و در یک باورپذیری شعورمندی، او را با اثر نمایش ارائه‌شده، درگیر کند، تا بتواند وی را به یک حس همذات‌پنداری کم‌وبیش ماندگاری برساند. استفاده‌ی درست، اصولی و بهره‌مند از منطق دراماتیک، از عناصر سازنده‌ی درام است. نمایش‌نامه‌ای که نویسنده‌اش، این عناصر، کارکرد آن‌ها، و ترکیب قاعده‌مندش را به‌خوبی نشناسد، یا به هر دلیلی - که حتماً غیرموجه خواهد بود - به‌درستی به کار نبرد، قطعاً و حتماً نمی‌تواند در یک فرآیند باورپذیرانه، با تماشاگرش ارتباط برقرار کند. اگر نمایش، گره و گره‌افکنی به‌موقع و محکم نداشته‌باشد، از کشمکش به‌عنوان اصلی‌ترین عامل شکل‌دهی به یک اثر نمایشی، به‌خوبی بهره نبرد، یا تعلیق‌های آن آبکی بوده، و به قاعده نباشد. ناگفته معلوم است که در تاثیرگذاری بر روی مصرف‌کننده‌ی اثرش، ناکام خواهد ماند. از این که بگذریم، هرگاه یک نمایش‌نامه از تم یا فکر اصلی حساب‌شده و باورمندتر و قابل‌قبولی بی‌بهره یا کم‌بهره باشد، می‌توان حس زد که نه به‌لحاظ احساس، و نه به‌لحاظ اندیشه، نمی‌تواند تماشاگرش را با خود همراه کرده، او را در یک فرآیند لذت‌مشارکتی، شریک کند. این‌ها را گفتم که بگویم نمایش‌نامه‌ی «افسانه‌ی بچه‌گرگ استثنایی» تاحد قابل‌قبولی، از این عناصر و مترال‌های سازنده‌ی درام، بهره‌مند است. البته این به آن معنی نیست، که متن فاقد هرگونه ضعفی است، نه! اما مسئله این است که نمره‌ی قبولی می‌گیرد، بدون استفاده از تک‌ماده.

اگر بخواهیم به یک نمونه‌ی موفق از این متن، که با نمره‌ی خوبی هم قبول شده، اشاره کنیم، درون‌مایه‌ی این متن است؛ درون‌مایه‌ای که می‌تواند به‌عنوان زمینه‌ی فراگیر اثر، ترکیبی باشد از تم و فکر اصلی. و آن این‌که؛ درک زیبایی و هنر، می‌تواند باعث رشد انسانیت آدمی - یا به تعبیر نمایش‌نامه - از بین رفتن خصلت‌های گرگی بشود. که این، درون‌مایه‌ی جاودانه و ارزش‌مند است. و نویسنده توانسته در یک ساختار خوب نمایشی، از عناصر درام، این درون‌مایه را به بافتی قابل‌قبول تبدیل نماید. این، مختصری بود درباره‌ی متن این نمایش، تا جا بماند و مختصری هم درباره‌ی اجرایش بگویم.

در اجرای هر اثر هنری و به ویژه آثار نمایشی، گذشته از درون‌مایه، آن‌چه مهم است، فرم و فرمالیزم اجرای اثر است. که بخش عمده‌ای از این بخش، به شناخت و کاربرد استتیک یا زیبایی‌شناسی اثر تعلق دارد. همین ابتدای این بحث بگویم، که فضاسازی آقای رضا عبدالعلی‌زاده‌ی عزیز، برای ذهنیت پروانه‌ای و موسیقایی کاراکترش (زمانی که این ذهنیت پلاستیک می‌شود)، به زیبایی و به اندازه، از بعد زیباشناختی اثر استفاده کرده، و اتمسفر این بخش از نمایش، تماشاگر را می‌گیرد. اما این به اندازه بودن، زمانی بی‌اندازه می‌شود، که چندان، این صحنه‌ی دیدنی، با همان شکل و شمایل تکرار می‌شود. که این، لطف کار را کم می‌کند. این درست، که این ماجرا در قصه‌ی نمایش و اندیشه‌ی شخصیت‌نمایشی تکرار شونده است، اما می‌شود، می‌شود که در اجرای این فضاها، از تکرار پرهیز کرد و تمهیدات دیگری را پیشه ساخت. از دیگر موارد این‌که؛ از طراحی صحنه‌ی نمایش، بوی کهنه‌گی و

یادداشت

دریچه‌ای به نمایش «خدا خوب است»

وَيْلٌ لِّكُلِّ هَمَزَةٍ لَمَزَةٍ

نمایش «خدا خوب است»، تلنگر است. تلنگر به مخاطب در خصوص نیش زدن، مسخره‌کردن و توهین، که از معضلات همه‌گیر اخلاقی هستند، و ما گاهی آن‌قدر آن‌را ساده می‌انگاریم، که گویی فراموش‌مان شده، تاوان آن، عذابی خارکننده است؛ «لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ» (آل عمران/۱۷۸). یادمان می‌رود که آینده‌ای را می‌تواند به مخاطره بباندازد، دوستی‌هایی را بر هم زند و...

نویسنده‌ی نمایش «خدا خوب است»، دست بر دو موضوع ارزشی نهاده؛ اول معضل مسخره‌کردن، و دیگری سعی و تلاش برای زندگی بهتر. دختری که لکنت‌زبان دارد و هم‌کلاسی‌هایش او را به سخره می‌گیرند و طردش می‌کنند، تلاش می‌کند تا مشکل‌اش به هر نحوی برطرف شود. طرح نمایش خوب به نظر می‌رسد، اما آن‌چه که متن نمایش از آن رنج می‌برد، عدم پرداخت مناسب است. مرضیه (شخصیت اصلی نمایش)، در اتاق خود و به دور از جامعه، به ستیز با مشکلات‌اش - که جامعه مسبب آن‌هاست - برمی‌خیزد، و همین امر، باعث ایستادن آنتاگونیست نمایش شده، و بالطبع، تعلیق‌های نمایش نیز کم‌رنگ می‌شود. حتی صحنه‌ی شکست او، که می‌توانست از صحنه‌های مهم و تاثیرگذار باشد، تنها با گفتن دیالوگی، به حال خود رها می‌شود. از نکات مثبت نمایش‌نامه، پایان‌بندی مناسب آن است، که تحول شخصیت در بهبود پیدا کردن لکنت‌زبان، بنا نشده، بلکه تغییر نوع نگرش مرضیه به مشکلات‌اش است، که پایانی مناسب را برای نمایش رقم می‌زند.

اجرای نمایش نیز، با ریتم کند آغاز می‌شود، و تا حضور شخصیت دلگه، همین کش‌دار بودن ریتم، ادامه می‌یابد، که البته حضور دلگه، تا حدودی ریتم و فضای کسل‌کننده‌ی نمایش را منطقی‌تر می‌کند. حضور کودکان بازیگر در این نمایش، یکی دیگر از نکات مثبت نمایش است، که توانسته در انتقال پیام نمایش، بسیار مثمر‌تر باشد. این‌بار، آموزه‌های اخلاقی نمایش، نه از زبان بزرگ‌ترها برای کودکان، بلکه از زبان کودکان برای کودکان، و حتی بزرگ‌ترها بیان می‌شود.

نمایش «خدا خوب است» به بحران می‌رسد، اما تمهید خوبی برای رهایی از بحران و گره‌گشایی مناسب، در نظر گرفته نشده است. تغییر نگرش شخصیت در پایان نمایش، خوب است، اما زمینه‌های این تغییر نگرش، ناشناخته می‌ماند؛ مانند دیگر ناشناخته‌های این نمایش، که به آن پرداخته نشده است.

یادداشت

دریچه‌ای به نمایش

«قصه‌ی تاج عروس، خاله و خروس»

در تعریف و شکل برگزاری این دست آثار، باید اهمیت عمده را به بخش سرگرم‌کننده‌گی نمایش، و ایجاد فضایی شاد و مفرح جستجو کرد. عنصری که می‌توان گفت، گروه اجرایی به‌خوبی از پس آن برآمده است. استفاده از تمامی ابزار و نشانه‌های نمایشی در کار، ارتباط بازیگران با هم، و بازی در نقش‌های مختلف نمایش، می‌تواند همه و همه، از نشانه‌های مثبت و برجسته‌ی کار به‌شمار بیاید. اما نکته‌ی قابل‌توجه و بحث، این‌جاست، که یک‌سری اتفاقات نمایشی در کار هست، که علت دقیق و منطقی آن‌ها تا انتها، معلوم نمی‌شود. به‌عنوان مثال؛ حضور شخص روای، که ما فقط صدایش را می‌شنویم. چرا؟ یا ایجاد فضاهای بی‌ربط و غیرمرتبط با کار، که فقط فقط برای فضاسازی شاد و مفرح خلق شده است. یا استفاده‌ی کودکان در صحنه، به‌عنوان حضور مشارکتی و سازنده در نمایش، که بدون آن‌ها هم نمایش پیش می‌رفت. درواقع، نباید فراموش کنیم، مشارکت کودکان در جهت پیش‌برد داستان و درام شکل می‌گیرد، نه فقط صرف بالا آمدن بچه‌ها به بالای صحنه، و گفتن چند دیالوگ کوتاه. ایجاد موقعیت‌های نمایشی، که در نمایش‌نامه خلق شده است، می‌تواند تنها عنصر جذاب کار به‌شمار آید. شاید دیگر وقت آن رسیده باشد، تا کودکان را با بازی‌های ساده‌انگارانه و سطحی، با ندیای بزرگ دیگری آشنا سازیم. از گروه اجرایی این انتظار می‌رفت، که با خلق لحظه‌های دراماتیک به خلق فضایی درست و نمادین، دست یابند. چراکه نباید یادمان برود، تئاتر کودک و نوجوان، می‌بایستی سرشار از خلاقیت و نوآوری باشد، و بتواند برای کودکان، تاثیرهای عمیق و شگرفی بسازد. و نبایستی فقط به احساسات آنی و لحظه‌ای کودکان توجه شود. هنرمند نمایش کودک و نوجوان، موظف است با نگاهی عمیق و خلاق، به‌دنیای پدیدایی مسائل خاص کودکان باشد، و آن‌ها را در قالب بازی نمایشی، به کودکان ارائه دهد، تا بتواند تاثیر خود را در درازمدت بگذارد. در نهایت، بایستی از زحمات گروهی و هماهنگی نمایش، قدردانی کرد.

فراد ابراهیمیان

نمایش‌نگاران

چهار صندوق شادی

کارگردان: ناصر آویژه | بخش کودک | تهران

نویسنده: گیتا داوودی

کارگردان: ناصر آویژه

بازیگران: مریم اکبری، بهناز مهدی خواه، مهرداد باقری، ناصر آویژه، حسین مزینانی

قاسم انصاری شاد، یاسر انصاری شاد

مشاور کارگردان: گیتا داوودی

دستیار کارگردان: ابودر کریمی

موسیقی: سروش حاتمی آذر

طراح لباس: ناصر آویژه

طراح پوستر و بروشور: بهروز کیانی

خلاصه ی نمایش: گروه نمایش دوره گردی متشکل از: سروناز، پهلوان رستم، مبارک و پیرمرد صندوق کش، روستا به روستا و شهر به شهر می گردند و برای مردم نمایش اجرا می کنند. در یکی از روزها...



امیر ارسلان نامدار

کارگردان: مسین چراغی | بخش نوجوان | تهران

نویسنده: مسعود ملک یاری

طراح و کارگردان: حسین چراغی

طراح صحنه: فائزه فیض شیخ السلام

آهنگ ساز: بابک نصیری خواه

دستیار کارگردان: مرتضی بزرگزادگان، بهنام حبیب پور

نویسنده ی پیش نمایش: مریم تیموری

مدیر صحنه: حامد میرآبادی

طراح عروسک: حمید امامی

ساخت عروسک: علی اعتصامی فر

طراحی و دوخت لباس عروسک: جلیله هبیتان

طراحی و ساخت ماسک: مریم تیموری

بازی دهنده گان عروسک: بهرام بهبهانی، حامد جعفری کیا، مهرنوش شریعتی، حسین چراغی

لاله علی پور، امید ماهر، عماد سالکی

ساخت دکور: علی تابع امام

طراح نور: علی اشرف سماعی

خلاصه ی نمایش: داستان امیر ارسلان نامدار، که عاشق فرخ لقا می شود...



خواستن، توانستن است

کارگردان: نگار نادری | بخش کودک | لاهیجان

نویسنده و کارگردان: نگار نادری

بازیگران: فاطمه علی پرست، آرزو علی پور، سیده مانده هوشیار، شیرین دمان، ماهان صحن سراسی، ساحل احمد دوست

دستیار کارگردان: فاطمه علی پرست

موسیقی: مودن صفری

طراح لباس: نگار نادری

طراحی و ساخت دکور: محمود صفارنیا، سپیده مرزبان پور مقدم

طراح پوستر و بروشور: سعید نصرتیان

گریم: حدیث نیکرو

خلاصه ی نمایش: جوجه کلاغی، که

یک بال از او چپه گی فلج بوده، خواب

فرشته ی مهربان را می بیند، که به او

می گوید راهی سرزمین رویاها شود،

تا بتواند پرواز کند. کلاغ کوچک...



من و برادرم اقبال

کارگردان: محسن پورقاسمی | بخش نوجوان | همدان

نویسنده و کارگردان: محسن پورقاسمی

آهنگ ساز: رضا عباسی

بازیگران: فریبا یعقوبلو، بهداد بلیغ فر، امیر باباشهبای

دستیار کارگردان: حامد ترابی، محمد مولایی

مشاور کارگردان: فریبا یعقوبلو

طراح صحنه: اعظم ترابی

منشی صحنه: فاطیما پورقاسمی

مدیر صحنه: علی رضا اسدی

اجرای صحنه: فاطمه جلیلی معز، کریم کسرائیان

طراحی و ساخت عروسک: زهرا غلامی

طراحی لباس: مهناز کریمی

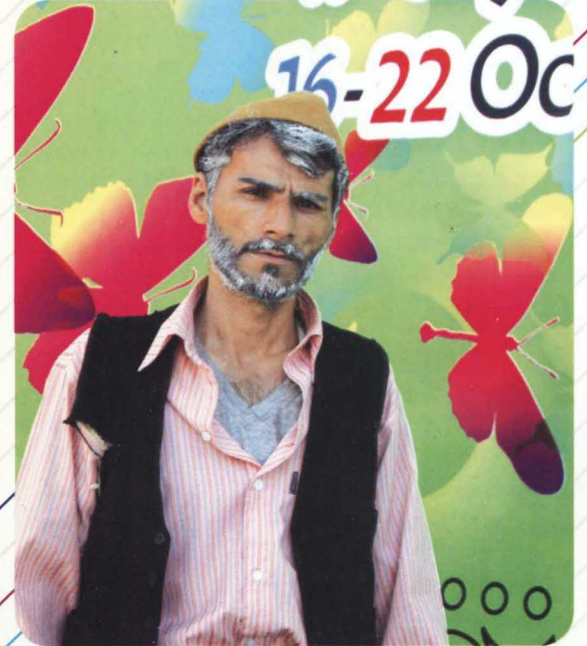
طراحی پوستر و بروشور: طیبه آنجدانی

خلاصه ی نمایش: دو برادر بر سر ارث و میراث پدر، جدل می کنند. برادر

بزرگ تر با دانش و تفکر، سرمایه ی پدری را در راه درست به کار برده و صاحب

ثروت و موقعیتی مناسب می شود، اما برادر کوچک تر...





به روایت عکس



یعنی به نظر شما، تئاتر کودک و نوجوان ما دچار رکود شده؟

بله. ببینید، الان ما فعالیت جدی در این حوزه نداریم. غیر از کارهایی که در مهدکودکها، فرهنگسراها و چنین جاهایی، به صورت مداوم اجرا می شود، چیز دیگری نداریم. البته تعداد محدودی کار خوب اجرا شده، مثل هملت آقای رضا بابک. شنیده ام که قرار است دکتر صادقی هم نمایشی را در تالار هنر روی صحنه ببرد. که خوب، جای خوشحالی دارد.

این رکود از چه دوره یا زمانی شروع شد؟

از خیلی وقت پیش. دهه ی ۶۰ اوضاع خیلی خوب بود. اما از دهه ی ۷۰ به بعد واقعا دچار افت شدیم. کارهای بسیار خوب هم داشتیم، اما تعدادشان آن قدر کم بوده که در کل مجبوریم بگوییم اوضاع تئاتر کودک و نوجوان خوب نیست.

پس این وسط، جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان چه کاره بوده؟ چه ضرورتی برای برگزاری اش هست، وقتی به قول شما سالهاست که تئاتر در این حوزه دچار رکود شده؟

ضرورت اش این است که حداقل باعث دور هم جمع شدن هنرمندانی می شود که تئاتر کودک کار می کنند. دیدن کارهای هم و هنرمندان دیگر کشورها، خیلی خوب است. البته اگر برنامه ریزی طوری باشد که همه واقعا بتوانند نمایش ها را کامل ببینند.

در جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان هم، هندسالی است که بخشی به عنوان «مسابقه ی نمایش نامه نویسی» گنجانده شده. سیاست و منطق شان هم کشف استعداد های جوان و حمایت از نویسندگان و این چیزهاست. به نظر شما، وجود چنین بخشی چه اهمیتی دارد؟

ببینید، این هم مثل خیلی از بخش ها و کارهای دیگری در دیگر حوزه است، که شاید نشود دلیل درست و قانع کننده ای برای وجودش داشت. شاید تاثیری نداشته باشد. اما به این فکر کنید که این خودش حداقل یک فرصت است. فرصتی که به نویسنده داده می شود، و مخصوصا جوان های شهرستانی، تا خودش را محک بزنند، تا خودش را مطرح کنند و دیده شوند. اگر این هم نباشد که دیگر چیزی برای شان باقی نمی ماند.

آمر مصامحه را بگذاریم برای مرف دل شما

حرف دل ام را نمی توانم بزنم. فقط... فقط امیدوارم که به افراد، آن قدری که هستند، بها داده شود، جایگاهها در نظر گرفته شود، سابقه ی کار و توانایی افراد مدنظر قرار گیرد. تبعیضی بین هنرمندان وجود نداشته باشد. همین

بد نیست برای شروع، نگاهی به فعالیت های مرفه ای دوسال گذشته ی شما داشته باشیم.

دو سال پیش که، همان نمایش «لولوی آوازه خوان» را به جشنواره ی کودک و نوجوان آوردیم و در سالن و روی ماشین نمایش اجرا کردیم. پارسال هم در نمایش خانم مریم کاظمی بازی می کردم، و در کنارش، داور بخش خیابانی جشنواره ی نوزدهم هم بودم. در این مدت، نمایش نامه های، ت مثل تئاتر، عصای کارگشا، و لولوی آوازه خوان من هم توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان چاپ شد. البته کتابی هم تازه گی ها به نام «آسیه آباد» به چاپ رسانده ام.

همه ی کارها هم در موزه ی کودک است؟

من غیر از کار کودک، حوزه ی دیگری را نمی شناسم. همیشه در همین حوزه کار کردم؛ نمایش نامه نوشتن، کارگردانی کردم، بازی کردم. مواقعی هم بوده که در کارهای بزرگسال، به عنوان بازیگر حضور داشتم. اما اکثر کارهای من، در حوزه ی کودک بوده. البته در حوزه ی شعر، قضیه کاملا فرق دارد و کتابهای شعری که از من چاپ شده، برای مخاطب بزرگسال بوده.

قرار بود نمایشی اجرا کنید که به گفته ی هودکان، «وصیت نامه ی هنری شماست»

بله. شما هم دو سال پیش تیتراژ زدید که؛ «برای روی صحنه رفتن وصیت تئاتری من دعا کنید»

مُب مهم ترین خواسته ی شما، روی صحنه رفتن همین نمایش بود. چه شد؟

ببینید، من نمایش نامه ای در حوزه ی کودک نوشته ام به نام «جویی قزک»، که دوست دارم آن را به صورت موزیکال اجرا کنم. شعرهای این نمایش نامه توسط هادی حوری تنظیم شده، و صدافانه بگوید متن دل نشین و خوبی است. می توانم با قدرت از نمایش نامه و طرح اجرایی که دارم، دفاع کنم. اما متاسفانه هنوز اسپانسر برای آن پیدا نشده و هنوز نتیجه ای نگرفته ام. به همین خاطر، نمایش نامه ی دیگری نوشتم به نام؛ «هادی و هدی و وروره های جادو» که قرار است دی و بهمن ماه امسال در تالار هنر اجرا شود.

جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان به بیست سالگی اش رسیده. بی تعارف، می فوایم نظرتان را درباره ی این جشنواره و اثرات اش بدانیم.

از دو سال پیش که با شما گفتگو کردم، واقعا هیچ حرکت امیدوار کننده ای در این حوزه رخ نداده، اتفاقی خاصی نیفتاده. یعنی اصولا در تئاتر کودک ما واقعا اتفاقی نیفتاده. هنوز اندر خم یک کوچه ایم. ببینید، وقتی ما جشنواره ی را با عنوان «بین المللی» برگزار می کنیم، پس باید خودمان هم نمایش هایی داشته باشیم که بتوانیم در مقابل کارهای خوب خارجی بایستیم و با هم رقابت کنیم. به نظر شما، الان چنین نمایش هایی داریم؟ نه واقعا نداریم. چون برای آن سرمایه گذاری نکرده ایم، وقت نگذاشته ایم.



**با رضا فیاضی
پیش کسوت بازیگری**

**با
هنرمندان**

رضا افشاری

پیش کسوت تئاتر همدان

جشنواره ی کودک و نوجوان، یکی از بهترین فکرها و عمل کردهایی است، که نوجوان و کودک را، روشن و بیدار می کند، و آن ها را به فکر فرو می برد. کودکان و نوجوانانی که هر کدام از آن ها، می توانند در آینده، فردی مفید برای جامعه ی خود باشند.

در جشنواره ی کودک و نوجوان، باید تئاتر هایی روی صحنه برود، که هر کدام از آن ها، بازدهی و نتیجه ی خوبی برای کودک داشته باشد، نه این که فقط کودک را به شوق بیاورد و دست بزند و شادی کند. البته برای کودک و نوجوان لازم است که همیشه شاد باشد، اما این شادی، نباید جلوی یادگیری و فهم او از نمایش را بگیرد. امیدوارم که نمایش های جشنواره، بتوانند درسی مفید برای کودک و نوجوان باشند. در ضمن، از عزیزان و دست اندرکاران جشنواره و اهالی «روزنگار» صمیمانه تشکر می کنم.

بهروز خانلر

مسئول سازمان بسیج دانش آموزی

تئاتر در قبل از انقلاب، در غربت و محکومیت ارزش ها به سر می برد، و تهاجم همه جانبه به آن شده، و اساس و پایه ی آن، غیر اسلامی بود. اما با پیروزی انقلاب اسلامی، و با بهره گیری از سوره های بی بدیل و بی نظیری که در صحنه های انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به وجود آمد، جوانان متعهد، مومن و هنرمند وارد این عرصه شدند، و آثار موثری را به وجود آوردند. ضمن تبریک و قدردانی از زحمات های همه ی عزیزان در جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان، و همه ی هنرمندان عرصه ی نمایش عرضه می کنم؛ در عرصه ی هنر، مهم ترین اصل، محتوا و پیام است. یعنی آثاری که تولید می شود، باید با محتوای عالی، انقلابی و اسلامی بوده، به لحاظ فنی و تکنیکی هم، موثر و مفید، و در سطح بالایی باشد، تا مخاطب را تحت تاثیر قرار دهد. امیدوارم هنرمندان و متولیان جشنواره ی بین المللی تئاتر کودک و نوجوان همدان، رسالت سنگین و دین خود را با ارائه ی آثار فاخر و ارزشمند، به مردم ادا کنند. خداوند به همه نصرت و قوت دهد.

فرزاد لباسی

فعال تئاتر کودک

جشنواره ی تئاتر کودک و نوجوان را، که چندسالی است در همدان حضور دارد، به فال نیک می گیرم. این جشنواره، تاثیرات زیادی، بر روند روبه رشد نمایش های ویژه ی کودکان داشته است. از تمامی مسئولین خواهشمندم که جشنواره را در همدان نگه دارند. به امید کارهای بهتر برای گروه های نمایشی در همدان.

رضا روان

فعال تئاتر کودک

باز هم جشنواره ی کودک و نوجوان، سایه ی خود را بر این شهر گستراند. شور جشنواره مثل سال های قبل، همه ی هنرمندان تئاتر این شهر را فرا گرفته. باعث خرسندی است که برای اولین بار، هفت نمایش از همدان در جشنواره حضور دارند. با این که این جشنواره فقط حدود یک هفته طول می کشد، اما تاثیر آن را می توانیم در طول سال، بین عموم مردم مشاهده کنیم.

درواقع، جشنواره فضایی را در همدان به وجود می آورد، که باعث توجه مردم به تئاتر شده، و بعد از جشنواره، استقبال نسبی مخاطبین از نمایش های کودک و نوجوان را به همراه دارد. اما در این بین، باید به آسیب احتمالی جشنواره هم اشاره کرد؛ روی آوردن اکثر گروه های نمایشی، به سوی نمایش های کودک و نوجوان. بدیهی است این رویه باعث عدم تنوع در ژانر نمایش ها، و اشباع این گونه ی نمایشی می شود، که جا دارد کنترل بیش تری در این زمینه صورت گیرد. و اما مسئله ی مهم دیگری که حتما باید مورد توجه قرار گیرد، عدم فعالیت کانون تئاتر کودک و نوجوان همدان است، که می توانست در این جشنواره، نقش مهمی داشته باشد، اما عملا هیچ گونه مسئولیتی ندارد. اگر این کانون فعال بود، قطعاً می توانست بخشی از مشکلات مربوط به بخش تئاتر کودک و نوجوان را حل کند. که در شرایط حاضر، خود تبدیل به مشکل شده است.



کمیته ی دبیرخانه

■ مسئول کمیته: معصومه حدادی

■ فعالیت ها:

- تایپ، تکثیر و ثبت نامه های صادره و وارده
- بایگانی
- تهیه و تنظیم صورت جلسه ها و ارسال آن ها به مبادی ذیربط
- پی گیری و ره گیری کلیه نامه ها
- ارسال و فکس نامه ها، و گرفتن تاییدیه از نامه های ارسالی
- هماهنگی جهت تشکیل جلسه های ستادی جشنواره
- پیش بینی و برآورد برنامه ها، و اعلام به کمیته ی مالی و پشتیبانی
- برنامه ریزی جهت توزیع بلیت های جشنواره

■ همکاران:

- معصومه شیرزادی جاوید: هماهنگی و پیگیری
- شیوا کریمی: تایپ، ثبت و بایگانی
- خانم ایرپر: تایپ
- حامد نادریان: توزیع بلیط



کمیته ی حراست

■ مسئول کمیته: یزدان آزرمی

■ فعالیت ها و همکاران:

- واحد ستاد کمیته ی حراست: فرزاد رحیمی
- انجام کلیه امور اداری، هماهنگی، دبیرخانه، استعلامات و مرکز پیام و امور شهرستان ها
- واحد حفاظت فیزیکی: سیدمجتبی موسوی
- تامین حفاظت و امنیت سالن های اجرای نمایش و اماکن اسکان میهمانان
- واحد امر به معروف: حسین رستمی
- انجام فعالیت های فرهنگی و تذکر لسانی و فعالیت های تبلیغاتی عفاف و حجاب
- واحد خدمات حراستی: حامد کمالی
- انجام امور رایانه، گزارش عملکرد، بررسی، سمعی و بصری
- واحد صدور کارت: خانم معصومه کلاهیچی
- صدور کلیه کارت های شناسایی عوامل اجرایی، خبرنگاران و میهمانان جشنواره

■ آزرمی:

کمیته ی حراست جشنواره هم، در کنار دیگر کمیته های محترم ستاد اجرایی، از مدت ها قبل کارش را شروع کرده است. وظیفه ی اصلی این کمیته، تامین امنیت و حفاظت از سالن های نمایش و محل اسکان میهمانان محترم، با استفاده از عوامل مختلف، صدور کارت شناسایی برای عوامل، میهمانان و خبرنگاران است. به طور کلی، تمام تلاش اعضای کمیته ی حراست، کمک به برگزاری هرچه باشکوه تر جشنواره در این دوره است.



کمیته ی سالن ها

■ مسئول کمیته: کیانوش بهروزپور

■ همکاران:

- سالن اصلی بوعلی: فرهاد لباسی (مدیر سالن)، بهروز ناصرشریعتی (مدیر صحنه)، علی باغبان (راهنمای آقایان)، پدram معصومی (راهنمای آقایان) مریم زیوری (راهنمای خانم ها)
- پلاتو بوعلی: میثم عزیز (مدیر سالن)، امیرمسعود درویش (مدیر صحنه)، پدram معصومی (راهنمای آقایان)، رضا افشار (راهنمای آقایان)، لیلیا کاظمی (راهنمای خانم ها)
- سالن اصلی آوینی: مهدی چایانی (مدیر سالن)، حاتم میرزایی (مدیر صحنه)، فرزین علیزاده (راهنمای آقایان)، میلاد احمدلو (راهنمای آقایان)، مینا پوراقبال (راهنمای خانم ها)
- پلاتو آوینی: ایرج رنجبر (مدیر سالن)، احسان ادیب (مدیر صحنه)، محمد بهروزپور (راهنمای آقایان)، محمد طالبی (راهنمای آقایان)، لعیا عسلی نژاد (راهنمای خانم ها)
- تالار فجر: سعید بابایی (مدیر سالن)، مهدی احمدی (مدیر صحنه)، فرزاد طریقی (راهنمای آقایان)، حجت بیات (راهنمای آقایان)، فریبا خاکیان (راهنمای خانم ها)
- کانون مهدیه: مرتضی تحصیلی (مدیر سالن)، مهدی کوثری (مدیر صحنه)، رامین رئوفی (راهنمای آقایان)، خدایار فرهادی (راهنمای آقایان)، گیتی گلزارفر (راهنمای خانم ها)
- متصدیان بلیط:
- یزدان موسسی خانی (مجمع بوعلی)، علی حساسی (کانون مهدیه)، محمد ابراهیمی (مجمع آوینی)



کمیته ی سمعی و بصری

■ مسئول کمیته: عباس احمدی

■ فعالیت ها:

- مسئولیت ثبت و ضبط فعالیت ها، جلسه های ستاد، نمایش های مسابقه، برنامه های جنبی، نمایش های خیابانی، نمایش های کودکان، و هم چنین ثبت و ضبط برنامه ی نشست ها و کارگاه های آموزشی
- مسئولیت ثبت و ضبط برنامه های افتتاحیه (۶ مرکز)، اختتامیه و هم چنین کارناوال های تبلیغی سطح شهر
- مسئولیت تهیه و پخش گزارش تصویری از کلیه برنامه های جشنواره
- تجهیز سالن های نمایش (۷ سالن) به سیستم های صوت و نور به روز و کارآمد

■ همکاران:

- عباس احمدی: مسئول کمیته
- محمدحسن عبادی: جانشین و هماهنگی
- مهدی کریمی: انبار و تجهیزات
- صابر دارپویی: امور فنی سالن ها (صوت و نور)
- مسئول گروه تصویربرداران: رضا فرجی سفر
- مسئولین صوت و نور:
- مجمع بوعلی سینا، سالن اصلی (حسن نوروزی)، مجمع بوعلی سینا، پلاتو (محمد ابوترابی)، تالار

The work shop of acting techniques by Mr. Sybrand Van Der Werf



In the fourth day of the 20th International Theater Festival for the Children and Youth a work shop was presented by Mr. Sybrand Van Der Werf from Holland. He produced and presented different performances and workshops in France, Germany, Belgium and Holland and he presented this work shop in Holland too. In his workshop he interacted with the audience and the actors because he believed that the director should not dictate the actors but he/she must train acting techniques to the actors and in this way the director, the audience and the addressee connect and interact in the best form. He said that there are differences between the structure of theater production in Iran and in Holland. In his belief the main difference is the difference of the focuses. In this workshop Mr. Van Der Werf trained and practiced some acting techniques with the actors. The idea of this work shop is not acting, pretending or playing on the stage but he wanted the actors to show their real emotions and react honestly. In his view the actors must be him/herself on the stage. In his performances he does not differentiate between adult or children addressee but he chooses simple themes for the children performances because he believes that his audience are human beings and there is no difference between them. A distinct difference between the adults and the children is that the children are very honest addressees and cannot pretend or lie so they react to the performances very honestly and a producer must take it into his/her account. He said that the quality level of the performances that are presented in this festival are not the most important issue for him because in this festival many performances from different countries are presented and he was inspired by every performance and took a different gist from all of these performances. He said that an ideal performance is the one that combines the entertaining and educating purposes at the same time. So his performance for the children is a mixture of educating and entertaining performances and for him both of these extremes are the prerequisites of an ideal performance.



Sybrand Van Der Werf

Date and Place of Birth: 1977

Group Background: Theater Gruene Sosse is an independent, mobile children- and youth-theatre, domiciled in Frankfurt am Main. The theatre was founded in 1981 and actually shows about 100 performances per year (about 50 in Frankfurt in Theaterhaus and about 50 as guest performances).

With delight in playing and transparency of acting we touch emotions and senses of the audience and encourage creativity and fantasy.

Acting for us means to reflect childhood and experiences and to grapple with actual images of childhood and construction of society.

In recent years we participated in various festivals for children- and youth theatre: "Real Theatre" in Jekaterinburg 1999, Herning (Denmark) Festival Theater for born ogunge 2000, Luaga n Losna Austria 2001, Theaterfest St. Vith Belgium 2001, Suita Festival in Osaka Japan 2004, Arad Goch in Aberystwyth Wales 2005, Milk Festival in Toronto, Canada 2007, International Vancouver Festival Canada 2008

The repertoire of Theater Gruene Sosse includes plays for all ages above 6 years. Among adaptations from Shakespeare or other historic plays, there could be find also plays by own creation or plays basing on texts of contemporary authors. Important part of the work is the cooperation with schools; there are different plays only shown in schools and workshops for pupils.

The Ugly Duckling

Group: Imagination Stage – theatre for children (Teatr lalek « Zaczarowany Świat »)
Director: Anna Milczarczyk
Script: Emilia Betlejewska
Scenography: Weronika Bolek, Izabela Cieszyńska
Music: Michał Ossowski
Duration: 40 minutes



Synopsis: There are no language barriers in this performance , because there are no words , but it is stimulating viewer’s imagination. “The Ugly Duckling” by Hans Christian Andersen is a play without words. With music, visual techniques, technique of the Black Theatre and animated movies tells the story of rejection, growing up, finding one’s own place in the world. The play is opened by a character dressed in a black feather coat. The character is struggling with the weight of carried balls. After a while the balls become balloons only to be associated with delicious ice-cream balls soon afterwards. The character drags the viewer into the juggler’s play. Suddenly, the curtain opens and “drags” the character into its darkness... On the stage there is only one element of decoration: the enchanted tree... The character finds in her bag the elements fitting to the tree and when she attaches them to it, she disappears from the sight of the viewer. New elements appear on the stage – the world of four seasons is built of them. It begins from the summer... the wheat, sunflowers, sunshine, and a stork all appear. Everything is born to life, transforms and disappears in front of the eyes of a viewer. The only constant element is the magical tree. On the viewer’s eyes, out of the balls, butterflies, fabrics, ducks are born – and among them – the ugly duckling. It is a different one in each of the duck families and thus it is rejected... Next seasons bring changes in the color of the stage, new characters that also reject the ugly duckling. In the winter, the duckling freezes by the lake... and a human saves it. Coming spring is a joyful time for the duckling because it finally becomes a beautiful swan and finds its own family. This beautiful swan flies away with other swans (the animated movie). At the end of this performance the duckling has flown away... and a little feather falls on the stage – the sign that it may have really been here... The magic tree spits out the character from the first scene who finds the feather. Was what we have just seen the story of this person? Maybe that’s the story of each one of us? The viewer finds in this play the answer to the question of being faithful to one, gains the conviction about their own beauty and learns the patience to wait to discover him or herself. The music replaces the words, builds emotions, and shows all the feelings: joy, love, sadness, aggression. The visual layer of the play stimulates viewers’ imagination, makes it possible for them to interpret the images on their own. The animated movies – skillfully mingled with the action of the Black Theatre – widen the area of the stage and complete the story. Performance is for the children from 3 to 10 years old.

DANIEL GOL – ALESSANDRO NOSOTTI

Date and Place of Birth:
 DANIEL GOL: 1973
 ALESSANDRO NOSOTTI: 1974

Education:
DANIEL GOL:
 - Degree in Foreign Languages
 - Degree in Theatre Arts in Los angles
 - Degree in Physical Theatre

ALESSANDRO NOSOTTI:
 - Degree in Accountant
 - Degree in Social Education with Disabled People
 - Degree in Contact Improvisation Techniques

Artistic and Cultural Background: TEATRODISTINTO is an artistic group born in 2006. The components have approached theatre for young audience after theatre arts studies in Italy, U.S.A. and France, with main focus on physical theatre (Etienne Decroux, Jacques Lecoq), and theatre arts for disabled groups. The company has a long history of workshops with kids in schools, and since 2008 they start producing plays for young audience. The group experiments his own style, based on very minimal setting and simple plots, suitable for very young audience.



21 Oct 2013
 Monday

Bu-Ali Sina Cultural Complex (Main Hall)	Bu-Ali Sina Cultural Complex (Auditorium)	Fajr Hall	Avini Cultural Complex (Main Hall)	Avini Cultural Complex (Auditorium)	Mahdieh Kanoon	Kanoon Cinema (Main Hall)	Kanoon Cinema (Conference Hall)	Bu-Ali Sina Cultural Complex (Open Area)	Fajr Hall (Open Area)	Avini Cultural Complex (Open Area)	Children Performances
10 16 18/30	10 16 18/30	10 16 18/30	10 16 18/30	10 16 18/30	10 16 18/30	9-12 14-17 22-23	9-12 14-17	11 17 19/30	11 17 19/30	11 17 19/30	9 11 9 11 9 11
My Brother; Eghbal and Me W.D.M. Poorghasemi Hamedan 42 min	The Famous Amir Arsalan W:M.Malekyari D:H.Cheraghi Tehran 45 min	Four Boxes of Happiness W:G.Davoodi D:N.Aviije Tehran 60 min	The Sky and Sea W:D.Sybrander Werf Vann Germany 60 min	Where There Is a Will, There Is a Way W:D.N.Naderi Lahijan 52 min	The Children And Youth Theatre Directing Workshop Gh.Sadeghi F.Dahli Memorable Night with H.Mohabbe Akbari A Creative Method In Performing F.Feyz Introducing The International Theater Groups The Story Of A Man Without Without Bahra'ali R.HaghshenasTeheran Dom Roberto J.Manuel Valdom Portuges Uppurunal Kid S.Baghiari Hamedan 25 min 1.5 min	Uppurunal Kid S.Baghiari Hamedan 25 min 1.5 min	Uppurunal Kid S.Baghiari Hamedan 25 min 1.5 min	Uppurunal Kid S.Baghiari Hamedan 25 min 1.5 min	Uppurunal Kid S.Baghiari Hamedan 25 min 1.5 min	Uppurunal Kid S.Baghiari Hamedan 25 min 1.5 min	Jack and Sait; Bean F.Daliri Tehran Mehrane Kindergarten Odd; Tomi Z.Moradi Tehran Faraz Kindergarten Pahlevan Kachal H.Hasan Ali Jafari Kindergarten Pahlevan Kachal H.Hasan Ali Jafari Kindergarten Tehran Mehran Kindergarten Mh.Lowry Dohi H.Kamalipoor Ghadamesai Kindergarten Mh.Lowry Dohi H.Kamalipoor Tehran Taheri Kindergarten 21 min 21 min 35 min 35 min 25 min 40 min